

بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین مردم شهر رشت

دکتر عادل ابراهیمی لویه^۱

سیده مهسا نیازمند واقع^۲

چکیده

در این مقاله سعی بر آن داریم تا میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر رشت مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در این بررسی از نظریات نظریه‌پردازانی چون لوهمان، اینگلههارت، پاتنام و زتومکا و همچنین از نظریه‌گیدنز به عنوان مدل و چارچوب نظری استفاده شده است. روش تحقیق از نوع کمی و کیفی است که داده‌ها با استفاده از تکنیک پرسشنامه و مصاحبه‌های عمیق گرد-آوری شده و جامعه آماری را افراد بالای ۱۵ سال شهر رشت تشکیل می‌دهند که ۲۲۰ نفر از آنها به عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد ۵۹/۵ درصد از پاسخگویان دارای اعتماد اجتماعی در حد متوسط بوده، ۱۷/۷ درصد دارای اعتماد اجتماعی پایین و تنها حدود ۲۲/۷ درصد دارای اعتماد اجتماعی بالا هستند. بین تمامی متغیرهای مستقل تحقیق (دگرخواهی، بیگانگی

۱. دکترای جامعه‌شناسی و استادیار موسسه آموزش عالی البرز قزوین Ebrahimi.Louyeh@gmail.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی mahsa.niazmand@gmail.com

اجتماعی، احساس امنیت، فضای مناسب اخلاق عمومی، همبستگی اجتماعی و رضایت از زندگی) و متغیر وابسته (اعتماد اجتماعی) رابطه معناداری وجود دارد. تنها همبستگی متغیرهای مقبولیت اجتماعی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با متغیر اعتماد اجتماعی معکوس و مابقی متغیرها دارای همبستگی مستقیم با متغیر وابسته بوده‌اند.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، دگرخواهی، همبستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، مقبولیت اجتماعی

مقدمه

اعتماد مهم‌ترین مؤلفه نظم اجتماعی و یکی از ارکان سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود، همچنین از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. اعتماد، بنیان بسیاری از تعاملات و کنش‌های روزمره در جوامع انسانی چه در ارتباط میان فردی و چه در ارتباطات اجتماعی بین گروه‌ها را تشکیل می‌دهد. از این رو اعتماد در ارتباطی ماتریسی با بسیاری از موضوعات همچون همیاری و کنش جمعی، مشارکت در گروه‌ها و سازمان‌ها، بهره‌وری، کارآیی، قانون‌مندی و قانون‌پذیری و نظایر آن قرار گرفته و در ارتباطی دو یا چند جانبه تأثیرگذار و تأثیرپذیر است. تأکید بر اعتماد، در مقایسه با دیگر انواع ارتباط در نوشته‌های مربوط به موضوع، نقش برجسته‌ای دارد. بخش عمده نظریه مربوط به سرمایه اجتماعی مبتنی بر بحث اعتماد است و اعتماد، ارتباط تنگاتنگی با رابطه متقابل تعمیم یافته دارد و به طور کلی شاخص مناسبی برای پیوندهای مثبت و متقابل محسوب می‌شود.

بیان مسئله

اعتماد در روابط بین انسان‌ها و کنش‌های آن‌ها نمود پیدا می‌کند، به خصوص در آن دسته از کنش‌هایی که جهت‌گیری معطوف به آینده را دارند و آن نوعی رابطه کیفی است که به تعبیر کلمن

(قدرت عمل کردن را تسهیل می‌کند) (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۷). منظور از اعتماد اجتماعی پذیرش خطر مواجهه و ارتباط با دیگران است، با این تصور که آن‌ها چنان که انتظار می‌رود رفتار خواهند کرد (شارع پور، ۱۳۸۵؛ والر و همکاران، ۲۰۰۷)، یا اینکه عمداً در پی آزار و اذیت ما نخواهند بود (نیوتن، ۲۰۰۴). به نظر زتومکا، اعتماد در ارتباط با شک و تردید نسبت به کنش‌های احتمالی دیگران در آینده معنا پیدا می‌کند (زتومکا، ۱۹۹۹: ۲۵). اعتماد اجتماعی همچنین هسته مرکزی بسیاری از مفاهیم کاربردی موجود در تئوری‌های علوم اجتماعی است که برای تبیین فرایندهای زندگی روزمره از جمله رضایت از زندگی، خرسندی، خوش‌بینی، بهزیستی، تندرستی، رونق اقتصادی، آموزش، رفاه، مشارکت، جامعه مدنی، دموکراسی، مردم‌سالاری و در نهایت تولید علمی به کار گرفته می‌شود. در ضمن اعتماد اجتماعی یکی از اجزاء اصلی سرمایه‌های اجتماعی است و معمولاً آن را به منزله یکی از شاخص‌های کلیدی بررسی سرمایه‌های اجتماعی به کار می‌برند؛ حتی در مواقعی می‌توان گفت که بهترین یا تنهاترین شاخص در زمینه بررسی سرمایه‌های اجتماعی است (قدیمی، ۱۳۸۶: ۳۲۹).

بررسی اعتماد در مناسبات اجتماعی می‌تواند پاسخی به این پرسش باشد که تا چه حد در جامعه مناسبات اجتماعی جدید پذیرفته شده و از مشروعیت لازم برخوردار است. همچنین اینکه تا چه حد نقش‌های اجتماعی جدید از شفافیت لازم برخوردار است. به عبارت دیگر تا چه میزان با پدیدار شدن چنین تمایزات اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای لازم برای آن شکل گرفته است. آیا در درون روابط پیچیده جامعه تمایز یافته‌ای که در آن زندگی می‌کنیم نظم اجتماعی برقرار است، یا اینکه تغییرات اجتماعی حادث شده بیشتر جنبه فیزیکی و بیرونی داشته و هنوز لایه‌های میانی و درونی روابط اجتماعی تغییر نیافته است.

با بررسی اعتماد میان اعضای که در بخش‌های مختلف جامعه قرار گرفته‌اند می‌توان تصویری از این امر بدست آورد که تا چه حد روابط میان افراد جامعه الگومند و پیش‌بینی‌پذیر و منظم است. مسئله اصلی تحقیق از آنجا ناشی شد که مشاهده می‌شود اعتماد اجتماعی در بین مردم کاهش یافته است. در این شرایط این سوال مطرح می‌شود که برآستی کدام عوامل اجتماعی موجب می‌شوند که اعتماد در جامعه به سمت نزول حرکت کند؟ برای اثبات این گفته مصادیقی از پژوهش‌های صورت گرفته در کشور ارائه کرده تا بتوانیم موضوع را به خوبی تبیین کنیم. طبق آماري که در طرح ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۰ توسط دفتر طرح‌های ملی بدست آمده ۸۸/۴ درصد مردم به اعضای خانواده خود بسیار زیاد اعتماد داشتند. این رقم در مورد اقوام ۴۹ درصد، در مورد دوستان نیز ۴۹ درصد بوده و بقیه مردم یکدیگر را تا اندازه ۴/۳ درصد قابل اعتماد ارزیابی کردند. بنابراین سؤال اصلی

تحقیق این است که میزان اعتماد اجتماعی بین مردم شهر رشت چه میزان است و تا چه حد در روابط و مناسبات اجتماعی افراد اعتماد برقرار است؟ همچنین متغیرهای تأثیرگذار بر اعتماد چه چیزهایی هستند و یا به عبارت دیگر، این اعتماد تابع چه متغیرهایی است؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

جامعه ما کم و بیش در طی دهه‌های گذشته شاهد تحولات اجتماعی بوده است که یکی از نتایج آن گسترش و تعمیم تمایزات است و این تحولات عمدتاً بیرونی بوده‌اند. آن چه مسلم است این که تحولات، مناسبات اجتماعی را از شکل سنتی آن خارج ساخته و جامعه ما دیگر تا حد زیادی اختصاصات یک جامعه سنتی را حداقل در ظاهر امر و در لایه‌های بیرونی مناسبات اجتماعی ندارد (صفری شالی، ۱۳۸۶: ۲۶). شهر رشت به عنوان جزئی از این جامعه بزرگ و به اصطلاح در حال گذار و رو به توسعه است و هر روز شاهد تغییر و تحولات اجتماعی بوده که این تغییر و تحولات، تمایزات اجتماعی و به تبع آن مناسبات اجتماعی جدیدی را به وجود آورده است که بر این مناسبات جدید بایستی نظم نوینی حاکم باشد. بررسی اعتماد اجتماعی بین مردم شهر رشت از آن جهت ضرورت دارد که به نظر می‌رسد به دلیل توسعه شهرگرایی، افزایش جمعیت، افزایش مهاجرت از روستا به شهر و پیچیدگی‌های زندگی شهری و ... بین مردم این شهر مشارکت، همکاری، صداقت، ایثار و از خودگذشتگی و احترام به حقوق دیگران آن طوری که در جامعه سنتی گذشته بوده مطرح نیست. افراد درگیر در روابط اجتماعی کمتر با یکدیگر آشنایی چهره به چهره دارند، روابط افراد محدود به روابط درون گروهی است تا برون گروهی. لذا اهمیت این مسئله سبب انجام پژوهش حاضر شده است. همچنین یافته‌های این پژوهش کمک خواهد کرد تا مدیران و تصمیم‌سازان در مدیریت شهری با آگاهی بیشتر برنامه‌ریزی کرده و نسبت به میزان نسبتاً پایین اعتماد در شهر رشت توجه جدی داشته و برای ارتقای اعتماد کاری انجام دهند. عدم اهتمام نسبت به چنین کاری ممکن است در آینده موجب ضعف فرهنگ شهروندی و هویت ملی شود و جامعه را با چالش‌های جدی‌تر مواجه سازد و حرکت توسعه‌ای کشور را به تعویق اندازد.

اهداف تحقیق

هدف کلی:

- بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین مردم شهر رشت

اهداف جزئی:

- شناخت و تبیین برخی از عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر اعتماد اجتماعی بین مردم شهر رشت
- بررسی مؤثرترین عوامل اجتماعی یا فرهنگی تأثیرگذار بر میزان اعتماد اجتماعی بین مردم شهر رشت
- ارائه راهکارهای لازم در جهت افزایش اعتماد اجتماعی

سوالات تحقیق

۱. آیا بین دگرخواهی (نوع دوستی) و میزان اعتماد اجتماعی افراد رابطه معنادار وجود دارد؟
۲. آیا بین بیگانگی اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی افراد تفاوت معنادار وجود دارد؟
۳. آیا بین احساس امنیت و میزان اعتماد اجتماعی افراد رابطه وجود دارد؟
۴. آیا بین فضای مناسب اخلاق عمومی و میزان اعتماد اجتماعی افراد تفاوت معنادار وجود دارد؟
۵. آیا بین همبستگی اجتماعی افراد و میزان اعتماد اجتماعی افراد تفاوت معنادار وجود دارد؟
۶. آیا بین رضامندی و میزان اعتماد اجتماعی افراد تفاوت معنادار وجود دارد؟
۷. آیا بین مقبولیت اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی افراد رابطه معنادار وجود دارد؟
۸. آیا بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی افراد رابطه معنادار وجود دارد؟

مبانی نظری

مفهوم اعتماد

اعتماد در زبان فارسی مترادف با تکیه کردن، واگذاشتن کار به کسی، اطمینان، وثوق، باور و اعتقاد به کار گرفته می‌شود (عمید، ۱۳۶۹: ۲۰۱). در زبان لاتین نیز اعتماد، معادل کلمه ایمان مورد استفاده قرار گرفته است. در ریشه کلمه ایمان، مفهوم وثوق و اعتماد، تسلیم در برابر اراده دیگری و اطمینان به شخص مستتر است. از دیدگاه ریشه‌یابی لغات، اعتماد و وثوق معادل کلمه ایمان مورد استفاده قرار گرفته است (امیرپور، ۱۳۸۶: ۳۰). زیمل اعتماد را معادل کلمه ایمان به کار می‌برد و به اعتقاد وی نوعی ایمان و اعتقاد به افراد جامعه است. در کارهای تونس در جوامع سنتی یا گماینشافت اعتماد مانند احترام و حسن تعلق شخصی، فضیلتی برای افراد است، در حالی که در جوامع گزلفشافت اعتماد غیر شخصی و رسمی است (زین‌آبادی، ۱۳۸۷). توکوویل معتقد است مشخصه جوامع شهری،

اعتماد اجتماعی بنیانی به هم و همکاری با هم و وابسته به فعالیت‌های عام که روح شهروندی را ایجاد می‌کند است (به نقل از زین‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۳).

اشکال اعتماد اجتماعی

همراه با طرح مباحث مفهومی و نظری مربوط به اعتماد شاهد طرح اشکال و صورت‌های متعددی از اعتماد نیز هستیم که عبارتند از:

اعتماد بنیادی

اعتماد بنیادی نگرشی است نسبت به خود و دنیای اطراف که رفتار و اعمال ما از آن متأثر می‌شود و موجب تقویت تفکری می‌گردد که افراد و امور جهان قابل اعتماد هستند و بر تداوم و ثبات آن صحنه می‌گذارد. اریکسون معتقد است که اعتماد بنیادی در مراحل اولیه زندگی شکل می‌گیرد: نگرشی که کودک درباره خودش و دیگران را مشخص می‌کند و تحت تأثیر نخستین رابطه کودک با مادر خویش است. گیدنز از این اعتماد به عنوان "امنیت هستی‌شناختی" یاد می‌کند. منظور از امنیت هستی‌شناختی، اطمینانی است که اغلب موجودات انسانی از پیوستگی و استقرار هویت خود و محیط‌های اجتماعی و مادی اطراف خود را دارند. به اعتقاد او امنیت هستی‌شناختی یک پدیده احساسی است و در ناخودآگاه ریشه دارد. گیدنز در تبیین این موضوع معتقد است که در این زمینه باید مراحل و عوامل جامعه‌پذیری مورد بررسی قرار گیرند (گیدنز، ۱۳۸۴؛ گیدنز، ۱۳۸۷: ۶۴-۶۳؛ امیرپور، ۱۳۸۶: ۳۱؛ اوجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴: ۱۰۰).

اعتماد بین شخصی

در اعتماد بین شخصی روابط چهره به چهره نقش اساسی دارد. به عبارتی اعتماد بین شخصی حوزه‌ای از تعاملات میان دوستان، همکاران و همچنین اعتماد میان رئیس و کارمندان، معلم و شاگرد و غیره را دربرمی‌گیرد. در این نوع اعتماد حداقل دو نفر حضور دارند، اعتماد کننده و اعتماد شونده. در این رابطه اعتماد شونده می‌تواند واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دهد که می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم نمود: واکنش‌های مثبت و واکنش‌های منفی. بنابراین هنگامی فرد اعتماد می‌کند که احتمال انجام واکنش‌های مثبت بیشتر از واکنش‌های منفی باشد. در واقع این عمل اعتماد کننده به طرف متقابل حسن‌ظن دارد. برای توجیه این کار می‌توان گفت که بررسی دیدگاه‌های مختلف نشان

می‌دهد که در ایجاد اعتماد بین شخصی روابط اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌نماید. در واقع اعتماد بین شخصی در روابط و تعاملات اجتماعی معنا پیدا می‌کند، توسعه می‌یابد و تقویت می‌شود (گلابی، ۱۳۸۳؛ امیر کافی، ۱۳۷۴: ۱۵-۱۴؛ امیرپور، ۳۲: ۱۳۸۶؛ اوجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴: ۱۰۲-۱۰۱).

اعتماد تعمیم یافته

اعتماد تعمیم یافته را می‌توان در شکل حسن‌ظن نسبت به افراد، جدای از تعلق آن‌ها به گروه-های قومی و قبیله‌ای تعریف نمود. این تعریف نه تنها روابط چهره به چهره را دربرمی‌گیرد بلکه حوزه‌ای از کسانی که با ما تعامل دارند و یا می‌توانند داشته باشند را نیز دربرمی‌گیرد. در واقع اعتماد تعمیم یافته حوزه‌های خانوادگی، همسایگی، قومی و محلی و غیره را درمی‌نوردد و در سطوح ملی و همراه با شکل‌گیری دولت‌های مدرن نیز مطرح می‌شود، این نوع اعتماد مستلزم مشارکت و همکاری تمامی افرادی است که جامعه مدرن امروزی را تشکیل می‌دهند (امیرپور، ۱۳۸۶: ۳۲).

اعتماد نهادی

تکیه بر نهادها راهی برای غلبه بر کمبود ساختاری اعتماد در همه ابعاد است که به نحوه اغواکننده‌ای ساده و آسان می‌نماید از آن جا که نمی‌توانیم به مردم اعتماد کنیم، ممکن است وسوسه شویم که به نهادها به عنوان واسطه تعمیم دهنده اعتماد تکیه کنیم مثلاً ممکن است من اطمینان داشته باشم که نهادها همواره بر مبنای قوانین رسمی خود و به گونه‌ای که می‌دانم عمل می‌کنند. در این دیدگاه قوانین نهادی به عنوان قوانین که بازتولید و تقویت خود می‌انجامد و خود را جاودانی می‌سازد مورد اتکا قرار می‌گیرند و از هیچ کس انتظار نمی‌رود که آن‌ها را تحریف کند یا مانع از عملکرد مورد انتظار آن‌ها شود. نهادها همچون سنت‌ها ضامن اجرای نحوه خود هستند و از طریق نظام هدایت و اصلاح خود را تصحیح می‌کنند و به عنوان خود تصحیح‌گری که انحرافات عمده از مسیر مورد انتظار و شناخته شده امور را منتفی می‌سازند نهادها معتبر شمرده می‌شوند چون ماندگار هستند و پس از این که ایجاد شوند می‌توان آن‌ها را بدیهی فرض کرد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۲۴۱).

دیدگاه‌ها و نظریات عمده اعتماد اجتماعی

نظریه کنش عقلانی

نظریه کنش عقلانی به طور کلی مبتنی بر این اصل است که انسان‌ها در مورد تصمیم‌گیری و گزینش در مورد چند کار یا انتخاب، به آن کاری دست می‌زنند که احتمال موفقیت در آن کار بیشتر بوده و احتمال شکست و آسیب دیدن کمتر باشد. اصول اساسی این نظریه از اقتصاد نئوکلاسیک برگرفته شده است. بر پایه گوناگونی مدل‌های متفاوت، فریدمن و هکتر آن‌ها را ترکیب کرده و مدل نظریه کنش عقلانی را ساختند. تأکید در نظریه کنش عقلانی بر روی کنشگران (عاملان) است. در این دیدگاه کنشگران انسان‌های هدفمندی به نظر می‌رسند. به طوری که با داشتن اهداف و آرمان‌های مشخص در جهت رسیدن به آن‌ها تلاش می‌کنند. همین‌طور کنشگران سعی در بالا بردن منافع و مطلوبیت‌های خودشان دارند (ریتزر، ۲۰۰۰: ۴۰۸). "مدل‌های انتخاب عقلانی همیشه بر مفهوم کنشگران هدفمند و نیت‌مند تأکید دارند. این کنشگران دارای توجیهات (ارزشی یا انتفاعی) هستند آن‌ها برای به دست آوردن نتایجی که دارای سلسله مراتب می‌باشند، عمل می‌کنند" (ارمکی، ۱۳۸۱: ۲۹۸-۲۹۹). دیدگاه عقلانی معتقد است که زندگی اجتماعی از حاصل انتخاب‌های عقلانی افراد شکل می‌گیرد. چارچوب نظری دیدگاه فوق یک اصل محوری و یک رشته شیوه‌های تحلیل دارد. آن اصل این است که رفتار آدمیان هدفمند و سنجیده است. فرض بر این است که آدمیان در انتخاب راه‌های مختلف، محاسبه سود و زیان می‌کنند و پس از آن راهی را انتخاب می‌کنند که بیشترین سود را حاصل کند. از صاحب نظران این رهیافت می‌توان به جیمز کلنن، گامبتا و فریدمن اشاره کرد. "گامبتا معتقد است تنها مسئله‌ای که امکان آسیب دیدن افراد را در جامعه کاهش می‌دهد اعتماد کردن افراد به یکدیگر می‌باشد و همین اعتماد به وجود آمده بین افراد پیش شرط مشارکت در زمینه‌های گوناگون در جامعه است" (انعام، ۱۳۸۱: ۴۲).

رویکرد شناختی

رویکرد نسبتاً جدیدی درباره اعتماد تحت عنوان رویکرد شناختی پا به عرصه وجود گذاشته است. بعد از باور به اهمیت تعیین کننده اعتماد برای کارگزاران و عاملان، طرفداران رویکرد شناختی تعریفی از اعتماد به دست داده‌اند که هم به عنوان وضعیت ذهنی و هم به عنوان یک نگرش و رابطه اجتماعی قابل دریافت است در این دیدگاه عناصر ذهنی اعتماد از این قرارند: عقاید و اهداف خاص آن، با توجه ویژه به ارزیابی‌ها و انتظارات. آن‌ها رابطه بین اعتماد و پیش‌زمینه‌های ذهنی را نشان داده‌اند. طرفداران

این دیدگاه همچنین تعیین می‌کند که چرا اعتماد بهتر و مناسب‌تر است و بعضی از مخاطرات ملازم آن را نشان می‌دهند و پیچیده‌ترین شکل‌های اعتماد اجتماعی را بر مبنای نظریه مرتبط با ذهن و به ویژه اخلاقیات، حیثیت (وجهه)، گرایش و اقتدار تحلیل می‌کنند (این سه مؤلفه به نظر طرفداران رویکرد شناختی سه جزء اصلی اعتماد را تشکیل می‌دهند). طرفداران رویکرد شناختی تبیین می‌کنند که چرا وعده‌ها، قراردادهای و اقتدار می‌توانند اعتماد ما را به وسیله بازنمودهای ذهنی اصلاحی‌مان افزایش دهند. آن‌ها سعی می‌کنند قاعده کمی شده‌ای از اعتماد بر مبنای عناصر سازنده آن ارائه دهند و این میزان اعتماد را به عنوان شالوده‌ای برای یک تصمیم عقلانی به کار گیرند. آن‌ها همچنین سعی می‌کنند بر اساس تعریف خود از اعتماد تبیین کنند که اعتماد چه زمانی عقلانی است و چرا نمی‌توان آن را غیرعقلانی تعریف کرد. طرفداران رویکرد شناختی همچنین نگرش‌های نظریه بازی و نظریه اقتصادی اعتماد را به خاطر برآورد کمتر از حد اهمیت عناصر شناختی سازنده اعتماد و به خاطر کاهش اعتماد به احتمالات ذهنی و خطر مورد نقد قرار می‌دهند. و بالاخره این که آن‌ها سعی دارند تحلیلی مفهومی از اعتماد ارائه دهند و از این طریق به کاربرد عملی اعتماد در نظریه اجتماعی باری رسانند (اوجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴).

نظریه بازی مجموع غیر صفر

شارح اصلی این نظریه مارتین دویچ است که برای مطالعه تجربی اعتماد از یک بازی مجموع غیر صفر که در آن دو فرد شرکت دارند استفاده کرد. منظور از بازی مجموع غیر صفر این است که در رابطه مبتنی بر اعتماد سود یک طرف مساوی با زیان دیگری نیست. به بیان دیگر در رابطه مبتنی بر اعتماد همه بازیگران (کنشگران) می‌توانند سود ببرند. البته در صورت عدم اعتماد بین افراد و وجود سوءظن این امکان نیز وجود دارد که همه بازیگران زیان ببینند. در این بازی سود و زیان‌های طرفین تابعی از انتخاب‌های خود و دیگری است. این بازی اصطلاحاً به دو راهی زندانی هم مشهور است. این دیدگاه در مقابل نظریه انتخاب عقلانی قرار دارد، یعنی در این جا هیچ امکانی برای رفتار عقلانی افراد وجود ندارد مگر اینکه افراد بتوانند به یکدیگر اعتماد کنند (انعام، ۱۳۸۱: ۴۳).

نظریه مبادله

این نظریه معتقد است که مبادله اجتماعی برخلاف مبادله اقتصادی بین افراد اعتماد به وجود می‌آورد و همین اعتماد در سطح خرد باعث دوستی و صمیمیت افراد با یکدیگر می‌شود و در سطح کلان موجب انسجام در جامعه می‌گردد (همان: ۴۵). نظریه‌پردازان مبادله با تمایز قائل شدن بین دو

نوع مبادله (مبادله اجتماعی و مبادله اقتصادی) معتقدند که مبادله اجتماعی زمینه مساعدی برای ایجاد اعتماد بین شخصی فراهم می‌کند. البته نظریه‌پردازان مذکور در مورد این که چرا مبادله اجتماعی زمینه‌ساز اعتماد بین شخصی است در حالی که مبادله اقتصادی این گونه نیست، اتفاق نظر ندارند. با این وجود، صرف نظر از اختلاف‌های موجود می‌توان استنباط نمود که علت اصلی این است که در مبادلات اجتماعی تعاملات اظهاری غالب است و در مبادلات اقتصادی، تعاملات ابزاری چیرگی دارد (امیرکافی، ۱۳۷۴: ۶). از نظریه‌پردازان این رهیافت می‌توان پیتر بلاو، پارسونز و کلمن را نام برد. از نظر این رهیافت، مبادله اجتماعی نوعی سرمایه اجتماعی نیز محسوب می‌شود و در واقع عاملی برای مشارکت بیشتر افراد در جامعه است. این رابطه را به صورت زیر نیز می‌توان نشان داد:

انسجام اجتماعی → دوستی → اعتماد → مبادله اجتماعی

نظریه‌های خرد، میانه و کلان اعتماد اجتماعی

اعتماد و نظریه‌های مربوط به آن را می‌توانیم در سه سطح کلان، متوسط و خرد مورد توجه قرار دهیم. در هر یک از این سطوح، می‌توان نظریه‌های متفاوتی را قرار داد که هر یک از منظر و دیدگاه خاصی به اعتماد می‌پردازند.

نظریه‌های کلان

نظریه‌پردازان کلان‌نگر از جمله اسپنسر، پارسونز، تونیس، دورکیم، زیمل، مارکس، وبر، اینگلهارت، پاتنام، فوکویاما و لومان معتقد به عوامل ساختاری و کلان اعتماد هستند. همه این نظریه‌پردازان سطح تحلیل کلان را برای بررسی خود درباره اعتماد برگزیده‌اند. همین‌طور در بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد، سطح مطالعه خود را بر روی ساخت اجتماعی متمرکز ساخته‌اند. نظریه‌پردازان کلان‌نگر اعتماد را به عنوان ویژگی روابط اجتماعی و یا ویژگی نظام اجتماعی و به طور کلی به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم سازی می‌کنند.

نظریه‌های خرد

در مقابل نظریه‌های کلان اعتماد، نظریه‌های خرد در تحلیل و بررسی اعتماد به عوامل فردی و خرد توجه دارند. یعنی عواملی که متأثر از برخوردها، مبادلات و یا ویژگی‌های زیستی، روانی و

شخصیتی فرد یا افراد است. نظریه‌پردازانی چون اریکسون، کلمن، بلاو، جانسون و کریستوفر مرو از منظر نظریه‌های خرد به بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد پرداخته‌اند. نظریه‌پردازان خردنگر به منظور تحلیل معنا و مفهوم اعتماد سطح تحلیل خرد و سطح مطالعه کنش را برگزیده‌اند. همه این نظریه-پردازان اعتماد را به عنوان یک ویژگی فردی و متأثر از کنش‌های افراد در نظر می‌گیرند. لیکن در این میان به نظر می‌رسد مناسب‌ترین راه برای بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی، دوری‌گزینی از هر گونه خردنگری و کلان‌نگری محض و بررسی جامع و همه‌جانبه اعتماد هم از طریق پرداختن به وجه کنش و هم از طریق پرداختن به وجه ساخت اجتماعی مفهوم اعتماد می‌باشد.

نظریه‌های میانه

در بینابین نظریه‌های خرد و کلان اعتماد، نظریه‌پردازانی چون گیدنز هر گونه تقلیل‌گرایی را در بررسی مفهوم اعتماد رد کرده و بر ارتباط پدیده‌های خرد و کلان و ترکیب و تلفیق این دو سطح در تحلیل و بررسی اعتماد اجتماعی تأکید می‌کنند.

چارچوب نظری

هدف از چارچوب نظری، ساختن مدلی است که بتوان فرضیات، مفاهیم و متغیرها را از آن استخراج نمود و در جامعه مورد مطالعه فرضیات را به بوطه آزمون قرار داد. تنها پس از تأیید نهایی برخی از فرضیات و رسیدن به مرحله قانونمندی است که مدل نظری اصلاح و چارچوب نظری همراه با اصول مکتبی تبدیل به نظریه می‌شود. در این تحقیق از نظریات نظریه‌پردازان که در حوزه کلان به بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد پرداخته‌اند، مانند لوهمان، اینگلهارت، پاتنام، زتومکا و دورکیم و همچنین از نظریه گیدنز که سطح تحلیلش هم خرد و هم کلان است، به عنوان مدل و چارچوب نظری استفاده شد که متغیرهایی چون دگرخواهی (نوع دوستی)، احساس امنیت، فضای مناسب اخلاق عمومی، رضامندی، همبستگی اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، مقبولیت اجتماعی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی را در بر می‌گیرد.

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به نوع ارتباط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته اعتماد اجتماعی می‌توان فرضیه‌های زیر را استنتاج کرد:

- ۱- به نظر می‌رسد بین دگرخواهی (نوع دوستی) و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین بیگانگی اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین احساس امنیت و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین فضای مناسب اخلاق عمومی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین همبستگی اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.
- ۶- به نظر می‌رسد بین رضامندی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.
- ۷- به نظر می‌رسد بین مقبولیت اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.
- ۸- به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع همبستگی می‌باشد. در این نوع تحقیق رابطه میان متغیرها بر اساس هدف تحقیق تحلیل می‌گردد. همچنین تحقیق حاضر به دو روش کمی و کیفی انجام گرفته است. در روش کمی از روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه و در روش کیفی با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه عمیق با صاحب‌نظران و آگاهان اجتماعی، مشاهده و تحلیل محتوای اسناد و مدارک اطلاعات لازم گردآوری و تحلیل شده‌اند. جامعه آماری این تحقیق را، تمامی خانوارهای شهر رشت و افراد بالای ۱۵ سال تشکیل می‌دهند. انتخاب این گروه سنی به این دلیل است که با توجه به موضوع پژوهش (اعتماد اجتماعی) برای سنجش آن به افرادی نیازمندیم که در جامعه حضور فعال دارند که بر اساس شیوه‌های نمونه‌گیری سه منطقه شهر رشت بر اساس وضعیت منطقه (منطقه بالا، منطقه متوسط و منطقه پایین) انتخاب خواهد شد. پژوهش حاضر در سال ۱۳۹۳ انجام شده و جمعیت رشت بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، ۶۳۹۹۵۱ نفر برآورد شده است که منطقه یک دارای ۱۲۷۳۶۸ نفر جمعیت، منطقه دو دارای ۱۲۶۵۹۹ نفر جمعیت، منطقه سه دارای ۱۲۹۳۰۷ نفر جمعیت، منطقه چهار دارای ۱۳۰۹۱۷ نفر جمعیت و منطقه پنج دارای ۱۲۵۷۶۰ نفر جمعیت است. در این تحقیق سه منطقه (یک، چهار و پنج) را مورد بررسی قرار دادیم. به دلیل شباهت منطقه دو و چهار و شباهت منطقه سه و پنج به یکدیگر، منطقه چهار و پنج را انتخاب نموده‌ایم. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران و فرمول تصحیح ۲۲۰ نفر می‌باشد.

شیوه نمونه‌گیری

به علت نبود فهرستی از جامعه آماری و میسر نبودن نمونه‌گیری تصادفی، مناسب‌ترین شیوه در این تحقیق، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تشخیص داده شد. در این شیوه ابتدا شهر به چند منطقه تقسیم، سپس از میان مناطق، نمونه‌هایی انتخاب شدند. پس از آن، هر یک از مناطق نیز به خوشه‌هایی تقسیم و از هر خوشه، نمونه‌ها به طور تصادفی انتخاب شدند.

سطح سنجش متغیرها

متغیر وابسته (اعتماد اجتماعی):

متغیر وابسته، اعتماد اجتماعی است. اعتماد را می‌توان اطمینان فرد به دیگران و عدم بدگمانی به افراد جامعه تعریف کرد؛ و به قول ایزنشتاد بدون وجود عنصر اعتماد، روابط اجتماعی پایدار هیچ‌گاه شکل نمی‌گیرد (زتومکا: ۱۳۸۷). در این تحقیق منظور از اعتماد اجتماعی، اعتماد بین شخصی، یعنی اعتماد مردم به یکدیگر است که با شاخص‌هایی همچون دگرخواهی (نوع دوستی)، احساس امنیت، فضای مناسب اخلاق عمومی، رضامندی، اعتقادات دینی، همبستگی اجتماعی، بیگانگی اجتماعی و مقبولیت اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

معرف‌های اعتماد مردم به یکدیگر:

- میزان اعتماد به مردم شهر
- داشتن اعتماد به یکدیگر
- سطح اعتماد نسبت به پنج سال گذشته
- پایبندی به قول و قرارها

متغیرهای مستقل

دگرخواهی (نوع دوستی)

دگرخواهی (نوع دوستی) عبارت است از اینکه فرد بالاتر از تعهداتش عمل کند، به طوری که منافع دیگران را بر منافع خود ترجیح دهد (صفری شالی: ۱۳۸۳). برای سنجش این متغیر از معرف‌های زیر استفاده شده است:

- کمک به یکدیگر در مواقع ضروری

- چشم‌پوشی از منافع خود به جهت منافع دیگران
- همکاری در طرح‌های عمرانی از لحاظ پولی و زمانی
- کمک به همسایه‌ها در مواقع ضروری و اتفاقات ناگوار

بیگانگی اجتماعی

بیگانگی اجتماعی عبارت است از بیگانه شدن افراد با خودشان و یا با دیگران (آبرکرامبی، ۱۳۶۷: ۳۹). به بیان دیگر از خودبیگانگی به وضعیتی گفته می‌شود که مردم در آن اختیار خود را درباره دنیای اجتماعی که خود بدست آورده‌اند از دست می‌دهند و در نتیجه آن، خود را در یک محیط اجتماعی خصمانه، بیگانه می‌یابند (ستوده، ۱۳۷۸: ۵۲). برای سنجش این متغیر از معرف‌های زیر استفاده شده است:

- ارزیابی از تمایل افراد به ارتباطات و رفت و آمد
- ارزیابی از مراجعه به مسئولین برای بیان مشکلات
- ارزیابی از توجه افراد به نیازهای آنی و عدم توجه به آینده‌نگری
- ارزیابی از توجه عموم به کارهای عام‌المنفعه
- تمایل به روابط عاطفی با دیگران

احساس امنیت

امنیت هستی‌شناسی نوعی احساس تداوم نظم در رویدادها، حتی آنهایی که به طور مستقیم در حوزه ادراک شخصی قرار ندارند، می‌باشد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۲۳). امنیت هستی‌شناختی به معنای اطمینان از تداوم وجود و هویت فردی و دوام محیط‌های اجتماعی که انسان در آن زندگی می‌کند، نیز تعریف شده است. این متغیر به وسیله معرف‌های زیر تعریف عملیاتی و سنجیده می‌شود:

- ارزیابی از میزان افزایش یا کاهش خشونت و درگیری نسبت به پنج سال گذشته
- احساس امنیت در شهر بعد از تاریکی هوا
- احساس امنیت نسبت به دزدی و یا وقوع جرم و جنایت در منزل
- نگرانی از سوار شدن اعضای خانواده در اتومبیل‌های شخصی داخل شهر
- نگرانی در مواقع مسافرت در خصوص دزدی اموال منزل
- نگرانی نسبت به آینده فرزندان

- ارزیابی از وجود امنیت در داخل شهر
- ارزیابی از وجود امنیت در کشور
- بیان نظرات خود در جامعه

فضای مناسب اخلاق عمومی

فضای اخلاق عمومی به معنی رعایت ارزش‌های اخلاقی توسط اعضای جامعه است (محمدی شکیبا، ۱۳۷۵: ۹۱). این متغیر به وسیله معرف‌های زیر عملیاتی می‌شود:

- یک‌رنگی
- راستگویی و صداقت
- وفای به عهد
- انصاف
- گذشت و ایثار
- امانتداری
- رازداری
- خیرخواهی
- دروغ‌گویی
- ناسزاگویی
- تملق و چاپلوسی
- توجه به منافع دیگران

همبستگی اجتماعی

این اصطلاح در میان جامعه‌شناسان برای اشاره به صفتی نزدیک اجزای یک جمع و به موازات اصطلاح رایج‌تر، یگانگی به کار می‌رود (گولد، ۱۳۷۶: ۹۰۴). این متغیر به وسیله معرف‌های زیر عملیاتی می‌شود:

- کمک و یاری به یکدیگر در مواقع نیاز
- کمک و یاری به سیل و زلزله‌زدگان
- شرکت در جشن‌ها، راهپیمایی‌ها و تظاهرات
- همکاری با پلیس و نیروی انتظامی در برقراری امنیت و کنترل شهر

- تمایل به کار گروهی
- تمایل به ورزش‌های گروهی

رضامندی

احساس رضایت از بازتاب توازن میان آرزوهای شخصی و وضعیت عینی فردی به وجود می‌آید (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴۱). این متغیر به وسیله معرف‌های زیر عملیاتی می‌شود:

- رضایت از زندگی کردن در این شهر
- رضایت از امنیت موجود در شهر
- رضایت از نظر کنترل فساد و بی‌بندوباری در سطح شهر
- رضایت از وضع فعلی جامعه
- رضایت از زندگی

مقبولیت اجتماعی

مقبولیت اجتماعی بیانگر ارزش، احترام و منزلتی است که برای یک فرد از سوی جامعه در نظر گرفته می‌شود. این متغیر به وسیله معرف‌های زیر عملیاتی می‌شود:

- اعتبار داشتن برای پول از دیگران قرض گرفتن در مواقع نیاز
- مورد افتخار آشنایان و نزدیکان بودن
- مورد قبول نزدیکان و خویشان بودن
- مورد قبول واقع شدن ضمانت و یا وساطت کسی را نمودن

یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از توزیع فراوانی‌ها نشان می‌دهد که ۳۸/۷ درصد از پاسخگویان مرد و ۶۱/۳ درصد زن بوده‌اند که از بین آن‌ها ۴۵/۹ درصد از پاسخگویان مجرد، ۵۰/۹ درصد متأهل، ۲/۳ درصد مطلقه و ۰/۹ همسر فوت کرده می‌باشند. همچنین ۳۳/۶ درصد از پاسخگویان پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین، ۳۴/۵ درصد دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی متوسط و ۲۹/۱ درصد نیز دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا هستند. نتایج حاصل از توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات نشان می‌دهد که ۰/۵ درصد از پاسخگویان بی‌سواد، ۱/۸ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، ۲۰/۹ درصد دارای تحصیلات دیپلم، ۱۰ درصد دارای تحصیلات فوق‌دیپلم، ۵۲/۳ درصد دارای تحصیلات لیسانس، ۱۲/۷ درصد دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و ۱/۸ درصد دارای تحصیلات دکترا بوده‌اند. نتایج حاصل از توزیع

فراوانی وضعیت مسکن نشان می‌دهد که ۷۵/۵ درصد از پاسخگویان دارای منزل شخصی بوده‌اند. ۹/۱ درصد گزینه رهن کامل، ۹/۱ درصد گزینه رهن و اجاره و ۱/۸ درصد گزینه سایر را انتخاب کرده‌اند.

آزمون فرضیه‌ها

سطح معناداری آزمون در بیشتر متغیرها، بخصوص متغیر وابسته اعتماد اجتماعی پایین‌تر از ۰/۰۵ آمده و گویای این نکته است که داده‌های تحقیق از توزیع نرمال برخوردار نبوده و می‌بایست از آزمون‌های ناپارامتریکی چون آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده نمود. جدول شماره ۱ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود بین تمامی متغیرهای تحقیق (دگرخواهی، بیگانگی اجتماعی، احساس امنیت، فضای مناسب اخلاق عمومی، همبستگی اجتماعی و رضایت از زندگی) و متغیر وابسته (اعتماد اجتماعی) رابطه معناداری وجود دارد. در این میان بین متغیرهای مقبولیت اجتماعی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با متغیر اعتماد اجتماعی رابطه معنادار وجود نداشت.

جدول شماره ۱: نمایش توزیع فراوانی میزان رابطه بین متغیرهای مستقل و اعتماد اجتماعی

سطح معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	اعتماد اجتماعی			متغیرها
		بالا	متوسط	پایین	
۰	۰/۲۵۱	۱۴/۵	۵۰/۹	۳۳/۶	دگرخواهی
۰/۰۱۵	۰/۱۶۴	۲۰/۹	۴۴/۵	۳۴/۱	بیگانگی اجتماعی
۰/۰۱۹	۰/۱۵۸	۴۴/۱	۴۱/۸	۱۴/۱	احساس امنیت
۰	۰/۲۹۲	۳۴/۱	۳۵/۹	۳۰	فضای مناسب اخلاق عمومی
۰	۰/۲۳۶	۲۵/۵	۴۵	۲۹/۵	همبستگی اجتماعی
۰/۰۲۰	۰/۱۵۷	۴۰	۴۰/۹	۱۹/۱	رضامندی
۰/۳۵۷	۰/۰۶۲	۲۲/۷	۴۴/۱	۳۳/۲	مقبولیت اجتماعی
۰/۰۹۴	۰/۱۱۵	۲۹/۱	۳۴/۵	۳۳/۶	پایگاه اقتصادی- اجتماعی

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد بین دگرخواهی (نوع دوستی) و میزان اعتماد اجتماعی

رابطه معنادار وجود دارد.

آزمون فرضیه ۱ نشان می‌دهد همبستگی معناداری بین دگرخواهی پاسخگویان و اعتماد اجتماعی آنها وجود دارد ($p:0$ و $R:0/251$). بر طبق نتایج می‌توان گفت که با بالا رفتن روحیه دگرخواهی، اعتماد اجتماعی بین افراد بالا می‌رود. لذا با سطح معناداری ۹۵ درصد فرضیه بالا پذیرفته می‌گردد و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را نیز دارد.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد بین بیگانگی اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه

معنادار وجود دارد.

آزمون فرضیه ۲ نشان می‌دهد همبستگی معناداری بین بیگانگی پاسخگویان و اعتماد اجتماعی آنها وجود دارد ($p:0/015$ و $R:0/164$). یعنی با بالا رفتن بیگانگی از میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان کاسته می‌شود و بالعکس. به زعم لوهمن، اعتماد به دیگران موجب افزایش و بسط تعامل اجتماعی با دیگران می‌شود و از اضطراب، تعلل و پاییدن و مراقب یکدیگر بودن و در نهایت از بیگانگی اجتماعی می‌کاهد. در سطح فرافردی، اعتماد مشارکت با دیگران را در قالب انجمن‌ها و نهادهای جمعی که به تقویت شبکه پیوندهای بین‌شخصی و محلی می‌انجامد بسط می‌دهد و زمینه را برای ارتقای سرمایه اجتماعی فراهم می‌کند و از غفلت و بی‌اعتنایی جمعی که مانع کنش‌های جمعی است می‌کاهد. پیوستگی‌های جمعی را که مانع بیگانگی اجتماعی می‌شوند گسترش می‌دهد و فرصت تعاون و همکاری را افزایش می‌دهد و هزینه انجام کنش‌های جمعی را به حداقل می‌رساند.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد بین احساس امنیت و میزان اعتماد اجتماعی رابطه

معنادار وجود دارد.

آزمون فرضیه ۳ نشان می‌دهد همبستگی معناداری بین احساس امنیت پاسخگویان و اعتماد اجتماعی آنها وجود دارد ($p:0/019$ و $R:0/158$). با بالا رفتن احساس امنیت بر میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان افزوده می‌شود و بالعکس.

از نظر گیدنز امنیت وجودی یکی از صورت‌های مهم احساس امنیت به معنای وسیع آن است. این اصطلاح به اطمینانی راجع است که بیشتر انسانها به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند. احساس اعتمادپذیری اشخاص و چیزها که برای مفهوم

اعتماد بسیار مهم است، برای احساس امنیت وجودی نیز اهمیت بنیادی دارد. برای همین است که این دو احساس از جهت روان‌شناختی پیوند نزدیکی با هم دارند. به اعتقاد گیدنز، امنیت هستی‌شناختی یک پدیده شناختی نیست، بلکه یک پدیده احساسی است که ریشه در ناخودآگاه دارد. اکثر نظریه‌پردازان بر رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی تأکید داشتند. گیدنز در این باره اظهار می‌دارد اعتماد، امنیت وجودی و احساس تداوم چیزها و اشخاص در شخصیت بزرگسالی سخت به هم وابسته باقی می‌مانند. جان کلام گیدنز درباره رابطه اعتماد و امنیت هستی‌شناختی در همین عبارت وی نهفته است.

انسان نیاز به احساسی دارد که او را به تداوم وجودی خودش اطمینان دهد. اطمینان داشتن از قابل اعتماد بودن یا صداقت دیگران نوعی عادت عاطفی است که با تجربه محیط‌های آشنای اجتماعی و مادی همراه است. بنابراین همان طوری که بیان شد، اعتماد بنیادین (پایه) مبتنی بر اعتماد اولیه است که فرد در تعامل با دیگران کسب می‌کند. در یک بیان کلی، فرد برای اینکه از آرامش برخوردار باشد نیازمند به برخورداری از تامین است. این تامین به معنای دوام زندگی خویش و محیط پیرامون و چیزهایی است که فرد را دربر گرفته‌اند. احساس امنیت و تامین امنیتی، فرد را از نگرانی‌ها و اضطراب‌ها نجات می‌دهد و به او حس اعتماد می‌بخشد. این فرایند اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه فرد از تداوم برخوردهای دوستانه یا غیردشمنانه دیگران (اعتماد اولیه) اطمینان داشته باشد. بنابراین، در اعتماد شخصی امنیت هستی‌شناسانه نقش قابل توجهی دارد. در این تحقیق نیز مشخص شد همبستگی معنادار بین احساس امنیت پاسخگویان و اعتماد اجتماعی آن‌ها وجود دارد.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد بین فضای مناسب اخلاق عمومی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.

آزمون فرضیه ۴ نشان می‌دهد همبستگی معناداری بین فضای مناسب اخلاق عمومی و اعتماد اجتماعی وجود دارد. ($p < 0$ و $R = 0/292$). همانطور که ملاحظه می‌گردد، با بالا رفتن فضای مناسب اخلاق عمومی بر میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان افزوده می‌شود و بالعکس. زتومکا با طرح این موضوع که دیدگاه فرهنگ‌گرا، جامعه‌بالقوه و پویا را به اتحاد و جمع منابع تقلیل نمی‌دهد، بلکه آن را به عنوان یک اجتماع اخلاقی مورد توجه قرار می‌دهد عنوان می‌کند: "اجتماع اخلاقی" کمتر با سازمان رسمی سروکار دارد و بیشتر با احساس تعلق، اعتماد و مسئولیت و احساس وظیفه نسبت به دیگرانی که با آن‌ها ارزش‌ها، منافع و اهداف مشترک دارند سروکار دارد. اجتماع اخلاقی شیوه خاصی از ارتباط داشتن با دیگران است که آن را به صورت "ما" تعریف کرده‌اند.

مقوله "ما" با سه الزام اخلاقی اعتماد، وفاداری و اشتراک مساعی با دیگران تعریف می‌شود. انسان پایبندی به اصول اخلاقی را در ارتباط و تعامل با دیگران می‌یابد و بر آن گردن می‌نهد. این الزامات اگرچه با انتخاب فردی همراه است و فرد خود این اصول را با اختیار پذیرا می‌شود، حضور جامعه در این اصول اخلاقی امری بدیهی است و عموم مردم اصول اخلاقی متشابهی را پذیرا می‌شوند و آن را به عنوان اصول اخلاقی خود تلقی می‌کنند. با توجه به عقاید زتومکا می‌توان گفت جامعه از طریق ایجاد فضای مناسب اخلاق عمومی میتواند در افزایش اعتماد اجتماعی نقش مؤثری داشته باشد.

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد بین همبستگی اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه

معنادار وجود دارد.

آزمون فرضیه ۵ نشان می‌دهد همبستگی معناداری بین همبستگی اجتماعی و اعتماد اجتماعی وجود دارد. ($R:0/236$ و $p:0$). با بالا رفتن همبستگی اجتماعی بر میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان افزوده می‌شود و بالعکس.

فرضیه ۶: به نظر می‌رسد بین رضایتمندی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معنادار

وجود دارد.

آزمون فرضیه ۶ نشان می‌دهد همبستگی معناداری بین رضایتمندی و اعتماد اجتماعی وجود دارد ($R:0/157$ و $p:0/020$). همانطور که ملاحظه می‌گردد، با بالا رفتن رضایتمندی بر میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان افزوده می‌شود و بالعکس. به زعم پاتنام در بین کسانی که از زندگی خود ابراز نارضایتی می‌کنند بی‌اعتمادی رایج‌تر است. از این دیدگاه اعتماد اجتماعی حاصل تجربه‌های زندگی است و کسانی که زندگی موفقیت‌آمیزی دارند نسبت به کسانی که از فقر، بیکاری، تبعیض، استثمار و محرومیت اجتماعی رنج می‌برند، دارای اعتماد بیشتری هستند.

فرضیه ۷: به نظر می‌رسد بین مقبولیت اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه

معنادار وجود دارد.

آزمون فرضیه ۷ نشان می‌دهد همبستگی معناداری بین مقبولیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی وجود ندارد ($R:0/062$ و $p:0/357$). لذا با سطح معناداری ۹۵ درصد فرضیه رد می‌گردد. اینگلهارت اظهار می‌دارد زمانی که فرهنگ اعتماد ظهور می‌یابد و در نظام هنجاری یک جامعه ریشه می‌دواند، به

نیروی توانمند و مؤثری برای تصمیم گرفتن به اعتماد کردن و اعتماد متقابل در نقش‌ها و موقعیت‌های مختلف اجتماعی تبدیل می‌شود که زمینه را برای تقویت فرایندهایی چون ادخال اجتماعی، عام‌گرایی و گسترش طراوت، مقبولیت اجتماعی و توسعه اجتماعی فراهم می‌کند.

فرضیه ۸: به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.

آزمون فرضیه ۸ نشان می‌دهد همبستگی معناداری بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و اعتماد اجتماعی وجود ندارد ($p: 0/094$ و $R: 0/115$). لذا با سطح معناداری ۹۵ درصد فرضیه رد می‌گردد. در اغلب پژوهش‌های انجام شده در ایران و نیز در تحقیق حاضر، یا رابطه‌ای بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و اعتماد وجود ندارد و یا این رابطه معکوس است. در هر دو حالت این نتایج با پیش‌فرض نظریه پاتنام مطابقت ندارد. به نظر پاتنام افراد دارای منابع بیشتر، به خاطر اینکه دیگران با آنها صادقانه‌تر برخورد می‌کنند و نیز چون می‌توانند هزینه‌های خیانت به اعتمادشان را تحمل کنند، قدرت ریسک‌پذیری بالاتر و در نتیجه اعتماد بیشتری هستند.

اما در جامعه مورد مطالعه ما، به نظر می‌رسد که وضعیت به گونه‌ای است که افراد دارای پایگاه اجتماعی بالاتر و به ویژه با تحصیلات بالاتر، به دلایل مختلفی از جمله امکان تحرک بیشتر و نیز آگاهی بیشتر از اوضاع محیط زندگی خود، شناخت بیشتری از وضعیت نابسامان اجتماعی دارند و این خود موجب نوعی بی‌اعتمادی واقع‌بینانه در آنها می‌گردد. در بهترین حالت، مانند تحقیق حاضر، رابطه‌ای بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و اعتماد اجتماعی وجود ندارد.

پیشنهادات تحقیق

با توجه به اهمیت اعتماد اجتماعی در جامعه شایسته است در جستجوی راه‌هایی بود که موجبات افزایش آن فراهم آید. یکی از عوامل اصلی ایجاد اعتماد اجتماعی در میان افراد رابطه چهره به چهره است، که هسته اساسی گروه اجتماعی را تشکیل می‌دهد، بر این اساس بهتر است در جستجوی شرایطی بود که امکان رشد گروه‌های داوطلبانه فراهم آید تا تعاملات عاطفی تنها به خانواده و خویشاوندان محدود نگردد. تفاوت اعتماد به نزدیکان و سایر افراد جامعه نشان می‌دهد که تعاملات صمیمی تنها به گروه‌های اولیه محدود شده و به متن جامعه گسترش نیافته است که این امر خلاء میان دو حوزه مذکور را سبب شده است. ضرورت همکاری و مشارکت شهروندان در سطح ملی برای رسیدن به توسعه و پیشرفت نیاز به گروه‌های واسط (احزاب، اصناف، انجمن‌های داوطلبانه و...) را ایجاب

می‌کند. کارکرد عمده اعتماد در گروه‌های واسط این است که تعاملات صمیمی، همکاری، سرعت ارتباطات و سرمایه اجتماعی افراد را در شبکه‌های مختلف اجتماعی گسترش می‌دهد. لذا سازمان‌هایی مثل صدا و سیما، استانداری، اداره کل تعاون، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و... باید با ساز و کار و تسهیلات مختلف، زمینه را برای ایجاد فعالیت‌های گروهی و جمعی برای مردم ایجاد کنند. افزایش مشارکت اجتماعی در بازتولید و ارتقاء اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته در قالب گسترش صداقت، وفاداری، حسن‌نیت، وظیفه‌شناسی، وفای به عهد، ثبات در اندیشه و عمل خواهد بود.

یکی از عوامل تأثیرگذار بر روی اعتماد اجتماعی، احساس تعلق جمعی است، بنابراین بهتر است به مراسم و گردهمایی‌ها و حضور افراد در کنار هم و تعامل با یکدیگر بهاء داده شود چرا که عوامل مذکور در تقویت احساس تعلق جمعی بسیار مؤثرند.

آموزه‌های دینی با تقویت مفاهیمی نظیر صداقت، خوش‌بینی، عدم تظاهر و ... زمینه اعتماد افراد به یکدیگر را فراهم می‌آورد. برای چنین منظوری جامعه احتیاج به انرژی عاطفی دارد. به منظور کسب این انرژی عاطفی و حفظ طراوت فرهنگی لازم است مناسک ملی، مذهبی و انسانی در ورای گروه‌های اولیه و اجتماعات طبیعی و در سطح ملی هر از چندگاهی به طور متناوب برگزار گردند. برگزاری این مناسک می‌تواند بر عهده هنر، عرفان، ادبیات و ورزش گذاشته شود.

یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار بر اعتماد اجتماعی، رضایت از زندگی است به زعم پاتنام در بین کسانی که از زندگی خود ابراز نارضایتی می‌کنند بی‌اعتمادی رایج‌تر است، برای همین مسئولان باید به فکر کاهش فقر، بیکاری، تبعیض و محرومیت اجتماعی باشند.

ایجاد احساس امنیت در بین مردم می‌تواند در بالا بردن اعتماد اجتماعی مؤثر باشد. از اینرو پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های نظامی و انتظامی فعالیت‌های خود را به صورت جدی در این زمینه به کار گیرند زیرا اگر عدم احساس امنیت در بین تعدادی از مردم به وجود آید، خیلی سریع به صورت تصاعد هندسی در بین عموم مردم این احساس شایع می‌شود و در نتیجه در سطح اجتماع گسترش می‌یابد. اما ایجاد امنیت و مبارزه جدی با اشرار و مزاحمین مردمی در سطح شهر و استان توسط نیروی انتظامی می‌تواند تعدادی از افرادی که با ایجاد باندهای مختلف باعث رعب و وحشت در بین مردم می‌شوند را از بین برده و از این طریق احساس ناامنی و بی‌اعتمادی در بین مردم نسبت به یکدیگر در سطح اجتماع کمتر به وجود می‌آید.

اهمیت دادن به فضای سالم اخلاق عمومی می‌تواند در بالا بردن اعتماد اجتماعی مؤثر باشد. پس ما باید به فکر بالا بردن هرچه بیشتر سالم‌سازی فضای اخلاق عمومی جامعه باشیم و سازمان‌های

درگیر از جمله سازمان تبلیغات اسلامی، مساجد و رسانه‌ها باید در این زمینه بسیج شده و دربارهی نتایج مثبت فضای سالم اخلاق عمومی در اجتماع فعالیت و تبلیغ کنند.

متغیر دیگری که بر روی اعتماد اجتماعی تأثیر خود را نشان می‌دهد، همبستگی اجتماعی است. مسئولین مربوطه بویژه رسانه‌های گروهی باید با استفاده از ارزش‌های مشترک در جامعه و نوع‌دوستی، روحیه همبستگی اجتماعی را در جامعه بالا ببرند زیرا نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که علاوه بر اینکه همبستگی اجتماعی به صورت مستقیم باعث افزایش اعتماد اجتماعی در بین افراد می‌شود، از طرف دیگر باعث کاهش احساس بیگانگی اجتماعی می‌شود.

تدارک مکان‌هایی (مانند پارک‌ها، کتابخانه‌ها، سالن‌های گردهمایی و نمایشگاه‌ها) که در آنجا شهروندان بتوانند گردهم جمع شده و به برهمکنش بپردازند تأثیر مهمی بر افزایش اعتماد اجتماعی خواهد داشت. البته این مکان‌ها بایستی امن، قابل دسترس و دوستانه ساخته شود تا افراد (بچه‌ها، بزرگ‌ترها، جوانان و غریبه‌ها) بتوانند در این اماکن عمومی احساس یگانگی کرده و آن را متعلق به خود بدانند و در آن به تعامل و گفت‌وگو بپردازند.

چنانچه این امور صورت گیرد افراد در جامعه همان احساسی را خواهند داشت که در خانواده دارند، به طوریکه ترس‌ها و نگرانی‌ها کاهش یافته و افراد در کنار سایر شهروندان احساس امنیت می‌کنند، احساس مسئولیت و تعهد در ابعاد مختلف تقویت می‌شود و... که کلیه عوامل فوق می‌تواند اعتماد اجتماعی را تقویت کند.

در این تحقیق سنجش بسیاری از متغیرها میسر نشد، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی سنجش متغیرهایی همچون میزان مطالعات، رسانه‌های جمعی، ریسک‌پذیری، رضایت شغلی، هویت شخصی و منطقه‌ای و نیز سنجش ابعاد دیگر اعتماد اجتماعی منجمله اعتماد تعمیم یافته مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد.

منابع:

الف) فارسی

- ۱- آزاد ارمکی، تقی(۱۳۸۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سروش.
- ۲- افه، کلاوس(۱۳۸۴). چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد کرد؟ به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، انتشارات شیرازه.
- ۳- امیرکافی، مهدی(۱۳۷۴). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴- پاتنام، رابرت(۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه محمدنقی دلفروز، تهران، نشر روزنامه سلام.
- ۵- پاتنام، رابرت(۱۳۸۴). جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی در زندگی عمومی. به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، انتشارات شیرازه، چاپ اول.
- ۶- تاجبخش، کیان(۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسیون و توسعه. تهران، نشر شیرازه، چاپ اول.
- ۷- ریتزر، جورج(۱۳۸۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ پنجم.
- ۸- کلمن، جیمز(۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ۹- گیدنز، آنتونی(۱۳۷۸). تجدد و تشخیص. ترجمه ناصر موفقیان، تهران، انتشارات نی، چاپ اول.
- ۱۰- گیدنز، آنتونی(۱۳۷۸). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نی، چاپ پنجم.
- ۱۱- گیدنز، آنتونی(۱۳۸۰). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات مرکز، چاپ دوم.
- ۱۲- فوکویاما، فرانسیس(۱۳۷۹). پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، جامعه ایرانیان.
- ۱۳- کالینسون، دایانه(۱۳۸۰)، پنجاه فیلسوف بزرگ از تامس تا سارتر. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، انتشارات عطائی.
- ۱۴- میزتال، بابر(۱۳۸۰). بررسی مفهوم اعتماد در میان جامعه‌شناسان کلاسیک. ترجمه ناصرالدین غراب، نمایه پژوهشی، سال پنجم.
- ۱۵- نوانبخش، مهرداد(۱۳۸۹). کاربرد نظریه‌های اجتماعی در روش‌شناسی تحقیق. تهران، انتشارات موسسه فرهنگی- هنری جهان کتاب، چاپ دوم.

- ۱۶- آزاد ارمکی، تقی و کمالی، افسانه (۱۳۸۳). اعتماد، اجتماع، جنسیت. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، ۱۳۲-۱۰۰.
- ۱۷- ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۸۶). بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین مردم شهر گرمسار. پژوهشنامه علوم اجتماعی گرمسار، شماره ۲.
- ۱۸- اجاقلو، سجاد و زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۴). بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، ۱۲۵-۲۵.
- ۱۹- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت. نامه علوم- اجتماعی. شماره ۱۷.
- ۲۰- حسینی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی، مطالعه موردی شهر بابل. معرفت، سال نوزدهم، شماره ۱۵۱، ۴۲-۳۱.
- ۲۱- زین‌آبادی، مرتضی (۱۳۸۷). تئوری‌ها و نظریات مربوط به اعتماد اجتماعی در جامعه. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، پژوهشنامه شماره ۱۶.
- ۲۲- زین‌آبادی، مرتضی (۱۳۸۷). بررسی وضعیت اعتماد در جامعه ایران و راه‌های بازسازی آن. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، پژوهشنامه شماره ۱۶.
- ۲۳- قدیمی، مهدی (۱۳۸۶). بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان. پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، ۳۵۶-۳۲۵.
- ۲۴- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۰). بررسی مفهوم اعتماد با رویکرد روانشناختی اجتماعی. نمایه پژوهش، شماره ۱۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۵- معیدفر، سعید و جهانگیری، پرویز (۱۳۸۸). اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن: مطالعه موردی شهر ارومیه. علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۱، شماره ۱، ۶۸-۴۷.
- ۲۶- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. دفتر طرح‌های ملی، تهران، موج دوم، ویرایش اول.

ج) انگلیسی

- 1- Coleman, J. (1990). "Foundation of social theory", Cambridge, MA: Harvard press.
- 28- Coleman, James (1994). Foundations of Social Theory. Cambridge: Harward University press.
- 2- Cohen, D. and Prusak, L. (2001). In good company: How social capital make organization work.
- 3- Cook, K.S. (2001). Trust in society. NewYork: Russell Sage.
- 4- Delhey Jan, Kenneth Newton, (2002). Who Trusts? The Origins Of Social Trustin Seven Nations, Research Unite, Social science Research Center Berlin.
- 5- Fukuyama, F. (1995). Trust: the social virtues and the creation prosperity. NewYork: free press.
- 6- Giddense, A. (1992). The consequences of modernity, Stanford, Calif: Stanford university press.
- 7- Newton, Kenneth (2002). Social Trust and Political Disaffection, social capital and democracy. EURSCO conference on social capital: Exeter.
- 8- Putnam, R. (1999). The prosperous community: social capital and public life, The American prospect, Inc.
- 9- Putman, Robert (2000). Bowling Alone: The Callapse and Revival of American Community. New York: simon and Schuster.
- 10- Putnam, R. (2002). Democracies in Flux: the evolution of social capital in contemporary society. Oxford University Press.
- 11- Ritzer, A. (2000). Sociological Theory, Mcgrawhill, higher education, New York.
- 12- Simmel, G. (1903). the philosophy of money. Routledge, Bostone.
- 13- Sztompka, Pioter (2000). Trust: A Sociological Theory. Post chester, NY. USA: Cambridge university press. University press, 2000.
- 14- Turner, H.J (2000). The formation of social capital in: Social Capital. A multifaceted perspective. Eds partha. Dasgupta and Ismail serageldin, The World Bank, Washington, D.C.

